

## «مسرور بارزانی» سمبل عقب ماندگی و پوسیدگی ناسیونالیسم کرد

سهند حسینی

«آموزش و خواندن در هیچ جای دنیا مجانی نیست» این گفته مسرور بارزانی، رئیس دولت اقلیم کردستان، در جواب به اعتراضات دانشجویی اخیر در کردستان عراق است.

میشد فرمایشات او را در کنار فرمایشات دیگر پدر بزرگش بعنوان نمونه هایی از تفکرات عهد عتیق و پوسیده گذاشت، به آن پوزخندی زد و از کنارش رد شد. میشد به عنوان تفکرات آدمی عقب مانده و فسیلی عهد عتیقی به آن نگاه کرده و به عقب ماندگی خندید. اما متأسفانه به دلیل موقعیت جناب «مسرور بارزانی» چنین ترهاتی بار سیاسی و عملی در گوشه ایی از جهان، در اقلیم کردستان پیدا می کند.

اما «مسرور بارزانی» رئیس دولت اقلیم کردستان است. به عنوان رئیس یک دولت گفتن اینکه «آموزش و تحصیل در هیچ جای دنیا مجانی نیست»، بار قانونی و عملی پیدا می کند، قطع کمک هزینه ها و امکانات آموزش مجاز می شود و عملاً نشان دادن چراغ سبز برای قطع تمام کمک هزینه تحصیلی و محروم کردن بخش جدی از کودکان و جوانان از تحصیل به حساب می آید. شاید تصور اینکه در دنیا امروز رئیس دولتی با این درجه از عقب ماندگی و بی مسئولیتی وجود داشته باشد، مقداری سخت است. اما این عین تفکرات یک ناسیونالیست از نوع کردی اش است. جنبشی که همیشه سنت، فرهنگ و ارزشهای پوسیده عهد عتیق را نمایندگی کرده و همیشه سمبل عقب ماندگی در همه سطوح آن است. مسرور بارزانی رئیس دولتی است که نزدیک به سی سال است بر مردم کردستان در عراق حاکمیت میکنند و زندگی را بر مردم آن سیاه کرده است. مسرور بارزانی نماینده و سخنگوی جنبشی است که هنوز در دوره ارباب رعیتی زندگی میکند. اقلیمی که در نتیجه سیاستهای حاکمیت ناسیونالیستهای کرد انباشته از یک نفرت عمومی از حاکمان و چپاولگران زندگی آزادی مردم، شده است. در زیر سایه حکومت کردی فقر و فلاکت بیداد می کند. خبری از بهداشت، رفاه و امنیت نیست و بیکاری و کم درآمدی به بخش داده شده مردم تبدیل شده است. حاکمیت سی ساله کردی عملاً به معنی از دست دادن همه امکانات ابتدایی و رفاهی مردم بوده است. در هر دوره به بهانه ایی دولت آقای بارزانی از تعهدات خود نسبت به مردم شانه خالی کرده و عملاً زندگی جهانی را به مردم تحمیل کرده است. ... صفحه ۲

- کارگران جهان متحد شوید!

## شوراهای مردمی؛ حقوق شهروندی و رسیدگی به جرایم



پس از انتشار آلتزاتیو «کنگره سراسری شوراهای مردمی» و «اصول پایه قانونی اساسی» پیشهادی حزب، سوالاتی از طرف فعالین سیاسی و کارگری در ایران بدست ما رسیده است که تلاش میکنیم در نشریه حکمتیست، «از حکمتیست میپرسند»، به این سوالات پاسخ دهیم.

حکمتیست: در بند ۱۷ از حقوق شهروندی اعلام کرده اید که «زندگی اجتماعی حق هر انسان است. هر نوع جداسازی و محروم سازی افراد به هر دلیل از حضور در محیطهای اجتماعی ممنوع است». سوالی که پیش می آید این است که آیا زندانی کردن یک فرد به هر دلیل، محروم کردن این فرد از این حقوق پایه ای نیست؟ هر حکومتی با زندانی کردن یک فرد او را از زندگی اجتماعی و حضور در محیطهای اجتماعی محروم میکند و ... صفحه ۲

## هیاهوی «دستمزد توافقی» و

## دونل گانگسترها! مصطفی اسدپور

اگر به کارگزاران خانه کارگر بیاور کنیم با مقاصد پلیس سی چهل نماینده مجلس دستمزد پایه سراسری کارگران در ایران در خطر است. منابع اطلاعاتی خانه کارگر پرده از رابطه مشکوک یک مثلث توطئه، یعنی نمایندگان مربوطه در مجلس، موسسات نذر و خیریه معلوم الحال اصفهان و مدیران عامل شرکت فولاد در منطقه برداشته اند. در سایت اینترنتی خانه کارگر قشقرق بر پا است و ثبت نام «فداییان دستمزد پایه مطابق قانون کار» به گرمی ادامه دارد! ... صفحه ۲

## بحران آب، باران گلوله

آسو فتوحی

## درب قتلگاه باند زحمتکشان را باید گل گرفت!

اطلاعیه دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

## معرفی دبیر دفتر کردستان

قدردانی از رفیق محمد راستی اطلاعیه دفتر کردستان حزب

## گزارش یک آکسیون اعتراضی در لندن

تشکیلات لندن حزب حکمتیست (خط رسمی)

آزادی برابری حکومت کارگری

او را از محیط طبیعی و اجتماعی اش جدا میکند. این تناقض را چگونه توضیح میدهد؟

**امان کفا:** در حقیقت اینجا تناقضی موجود نیست. همانطور که در بند ۱۷ مشخص شده است، هر انسانی می بایستی از حق زندگی اجتماعی برخوردار باشد. حقی که خدشه ناپذیر است. در جوامع طبقاتی تاکنونی، طبقات حاکم در هر کشوری به بهانه ای، بخشی از شهروندان خود را از حقوق اجتماعی محروم و از سایر شهروندان جدا کرده اند. در نظام سرمایه داری این جدا سازی به حد اعلا خود رسیده است و مشخصاً تفرقه در طبقه کارگر، به ابزاری برای ادامه حاکمیت و جلوگیری از هرگونه اتحادی در صفوف کارگران و براندازی کل نظام سرمایه داری تبدیل شده است. تقسیم بندی و جدا سازی بر اساس مذهب، ملیت، جنسیت، غیره از نمونه های بارز این سیاست است که مرتباً در سراسر دنیا دامن زده می شود. با حاکمیت مردم در حکومت شورایی، در جامعه ای که نه بر مبنای افتراق برای اعمال حاکمیت اقلیتی ناچیز بر اکثریت مردم، بلکه بر اساس اتحاد و همبستگی شکل گرفته است، این محرومیت از حقوق اجتماعی و تبعیض می بایستی ممنوع باشد. به همین علت این اصلی است که باید در قانون اساسی کشور تضمین شده باشد.

این اصل بر اساس خواسته ای است که نه فقط در ایران، بلکه جامعه بشری همه جا با مبارزه علیه هر نوع تبعیض و آپارتاید در اشکال مختلف آن، همواره دنبال کرده است. بطور نمونه مبارزه علیه عدم اجازه حضور زنان در میتینگ های انتخاباتی، عدم اجازه زنان در حضور در مدارس در افغانستان امروز محروم کردن سیاهان از حضور در کنار سفید پوستان از آمریکا تا آفریقای جنوبی، و بسیاری نمونه های دیگر، سابقه این خواسته را تنها در عرض همین قرن گذشته را نشان میدهد. بند ۱۷ حقوق شهروندی اعلام ممنوعیت هرگونه تقسیم بندی و محرومیت بخشی از جامعه، تحت نام مذهب (اهل سنت و یا شیعه، مسلمان، بهائی، ...)، جنسیت (مرد و زن)، تمایلات جنسی و سکسوالیتی یا تعلق به قومیت معینی (ترک، فارس، عرب، ...)، رنگ پوست و نژاد و هزاران هزار بهانه دیگر، از حقوق برابر شهروندی است. به این ترتیب اجرای این بند، خود بخشی از تضمین و به رسمیت شناختن حق بی قید و شرط زندگی اجتماعی برای همه شهروندان بدون کمترین تبصره ای است، حقی که همواره زیر پا گذاشته شده است. فراتر اینکه گنجاندن آن در قانون اساسی، هرگونه ممانعت از حضور بخشی از جامعه در

#### هیاهوی «دستمزدهای توافقی» ...

گانگسترها و توطئه؛ زد و بند از یک طرف و تصفیه حساب از طرف دیگر سر تا پای بازار کار و قانون کار را فرا گرفته است. زد و بندهای رسوای حاشیه خصوصی سازیهها، معاملات خونبار دایر بازرسی وزارت کار، شهرداری ها، ایادی بنگاه های کاریابی وابسته به وزارت کار، کارتل های ساختمانی و جهنم دره عفونی کمیته امام و سازمان بهزیستی، دم و دستگاه تعاونی های زیر دست خانه کارگر، معاملات قرض الحسنه های بانک رفاه، ... تنها سر فصل های شناخته شده از چرک و کثافت؛ از خفاشهایی است که از خون طبقه کارگر میمکنند. سرنوشت صندوقهای بازنشستگی بیمه؛ ریخت و پاش بودجه و انواع سوبسیدهای مالیاتی به کارفرمایان هنوز حدیث جداگانه است. در این زد و بندها نه فقط کارخانه و معدن بلکه اساساً نیروی کار است که معامله میشود. دولت با وزارتخانه ها، مجلس با قوانین، دستگاه قضایی با زندانها و سرکوب و خانه کارگر پایه های تامین نیروی کار ارزان در لابلای چرخ دنده های نفرین زده را تشکیل میدهند.

تا آنجا که به دستمزدهای مربوط میشود، منت خانه کارگر بیجا است. تشریفات سالانه « مذاکرات دستمزدها » بزرگترین نمایش بی حقوقی کارگر در ایران است که هرگز اجازه انتخاب نمایندگان مستقیم خود را نیافته است. تشکل های آن از حمله در امان مانده است و ابراز وجود خواست و اراده طبقه در اعتصابات با توحش پاسخ گرفته است. ادعای « دستمزدهای پایه » در شرایطی که دهها سال است زیر خط فقر رقم میخورد، هیچ گونه تضمین اجرایی برای آن منظور نیست، رگ و پی آن بر جن و گدایی و ترس و انتخاب میان بد و بدتر استوار است، زیادی بر پیکر خانه کارگر و ادعاهای « جنت مکان » حضرات زار میزند.

محیط های اجتماعی را غیر قانونی، و در واقع جرم، اعلام میکند. امری که نشان از بلوغ جامعه را به روشنی نشان می دهد.

بند دیگر در رابطه با زندان و زندانی، مشخصاً مربوط به جرائم و کسی است که جرمی را مرتکب شده باشد. این مسئله نیز به تفصیل در اصول پایه ای کنگره شوراها، ملحوظ شده است. ابتدا بایستی تاکید کرد که کنگره شوراها، استقلال کامل و جامع قوه قضائیه را برسمیت شناخته و برخلاف حکومت های فعلی، مانع استفاده از این قوه توسط دولت حاکم را برای پیشبرد مقاصد خود میشود. بنا به بند ۲۶، هیچ مقام و مسئولی، از نظر قانونی در موقعیت متفاوت و یا برتری نسبت به دیگر آحاد جامعه قرار ندارد و همچون دیگر شهروندان، در برابر قانون برابر و یکسان هستند. علاوه بر این، در جامعه ای که مردم بر مردم حکومت می کنند، اولاً اصل بر برائت است، مگر اینکه خلاف آن اثبات شود و دوماً شکنجه و حبس ابد و دیگر مجازات های غیر انسانی، نه به گونه ای صوری، بلکه در عمل و قانوناً، ممنوع است.

در چنین شرایطی، هر شهروندی که پس از پروسه شفاف و قانونی قضاوت، محکوم شناخته شود، مسلماً با مجازات، محرومیت از بخشی از حقوق اجتماعی، مواجه خواهد شد، اما اینجا هم، بر خلاف دیگر حکومت ها، مجازات های غیر انسانی، هرگونه تعرض به جسم مجرم، نظیر شکنجه، اعدام و یا حبس ابد، ممنوع است. زندان، نه تنها راه، بلکه فقط یکی از امکاناتی است که جامعه برای حفاظت از خود و شهروندان به آن دست میبرد. این خود بیانگر خودآگاهی و بلوغ اجتماعی در حکومتی است که هدفش از مجازات نه « درس عبرت » دادن، بلکه یافتن بهترین راه برای بازگشت مجرمین به جامعه است. شرایط زندان نیز به همین ترتیب، می بایستی با استفاده از بهترین شرایط ممکن در جهت تسخیل همان هرچه سریعتر بازگشت مجرمین به محیط اجتماعی باشد.

در حکومت شوراهای مردمی متکی به قانونی اساسی پیشنهادی ما، بر خلاف تمامی حکومت های غیر مردمی، نه تنها قضاوت و مجازات، بلکه امکانات و اداره زندان ها نیز، شفاف و قابل بررسی و رسیدگی توسط جامعه و شوراهای مردم است. این تضمینی است که خود مانع از هرگونه بی حرمتی و فشارهای جسمی و روانی به مجرمین و زندانیان را فراهم می کند. بندهای ۲۷ و ۲۸، بندهایی مربوط به حقوق مجرمین و جهت تضمین منصفانه بودن رسیدگی، محاکمه و مجازات، و همچنین شرایط زندان و زندانی، است. این بندها، چنین تضمین را در قانون اساسی کشور مصوب کرده است.



تماشایی است! خانه کارگر در مورد موسسات نذر و خیریه اصفهانی، از مواضع آتشین در نبرد تا آخرین قطره خون کارگران کوتاه نمیاید؛ در حالیکه بدقت مراقب است در مقابله با گانگسترهای حریف از یک دوئل قطره چکانی فراتر نرود، مواظب است که مبادا از این دعوا نفعی به کارگران برسد. حاج و واج میمانید، مقاصد مثلث منفور بجای خود، چطور و از کجا خانه کارگر قهرمان صحنه بجا مانده است! آیا نمایش به اصطلاح مذاکرات سالانه دستمزدها، با دایره و تنبک نمایندگان قلابی کارگران چیزی کمتر از یک توطئه، و اتفاقاً با همان خصوصیات « دستمزدهای توافقی » است؟!

هیاهوی پوچ اینترنتی بر سر « دستمزدهای توافقی » تاکیدی بر آنستکه خانه کارگر و شوراهای اسلامی و زوائد اسلامی سرمایه جزو صورت مساله مبارزاتی کارگران باید بحساب بیایند و نه بخشی از حل مساله. در شهر هرت قانون کار در ایران که در زد و بند میان باندهای مافیایی طبقه حاکمه از دولت تا مجلس، از دار و دسته خانه کارگر تا کارفرمایان همگی به یکسان شریک هستند، نباید فرصت را از افشای دشمنان طبقه و تهرین و تقویت حفظ صف مستقل کارگری از دست داد. جا دارد کارگران قطب قدرتمند قانون کارگری خودشان از دل مطالبات و اعتراضات روزمره علیه باند رنگارنگ جنایتکار سرمایه در ایران را بشناسند و بشناسانند. آن روزی که کارگر در ایران روی پای خود بایستد، بخواهد سرنوشت خود را رقم بزند، جز با نفی نکبت و بندگی قانون موجود نمیتواند یک قدم به جلو بردارد. این روز مدتهاست فرا رسیده است.

# بیانیه حقوق جهاشمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شوراها است

بر متی چنین زندگی جهانی، قطع کمک هزینه آموزش و پولی کردن تحصیل، به معنی تعرضی آشکار به همین سطح از زندگی مردم است.

در دنیای امروز در بخش اعظم کشورهای جهان آموزش و پرورش مجانی است و در هیچ جای دنیا حتی در عقب مانده ترین و مستبدترین کشورها آموزش و تحصیلات قبل از دانشگاهی پولی نیست و تامین بودجه آنرا دولتها عهده دار می شوند و هزینه آنرا تامین می کنند. تحصیل رایگان یکی از دستاوردهای جامعه بشری است. در کشورهای اروپایی و مدرن جنبش کارگری و سوسیالیستی تحصیل رایگان را، بعنوان حقوق ابتدایی همه شهروندان و بویژه کودکان، به دولتهای بورژوازی تحمیل کرده. در همین کشور عراق تا همین الان، تحصیل قانونا اجباری و رایگان است که ظاهرا جناب رئیس اقلیم از آن بی خبر است. نظامهای حاکم در همین سیستم سرمایه داری معاصر نه از سر انسان دوستی اشان بلکه از سر نیاز سیستمشان برای بازتولید نیروی کار، گرداندن چرخ اقتصاد و تداوم و محکم کردن پایه های آن، روی آموزش و پرورش تاکید ویژه ای دارند. اما اینکه در گوشه ایی از همین کره خاکی، حاکمانی پیدا میشوند که نه فقط تضمین آموزش و تحصیل همگانی در هیچ جای نقشه حاکمیتشان نباشد، بلکه برنامه قطع کمک هزینه تحصیل و پولی کردن آنرا داشته باشند، چیزی جز بی مسئولیتی، عقب ماندگی و کوته بینی آنها را نمی رساند. «مسرور بارزانی» حاکم دولت کردی اقلیم نهاد چنین عقب ماندگی و کوته بینی است.

مسرور بارزانی مخاطبین خود، دانشجویان کردستان و مردم، را مانند خود، نادان و عقب مانده فرض کرده است. در دوره ای که رد و بدل شدن اطلاعات و پیشرفتهای علمی، مبارزاتی و ... به سرعت برق است، در دوره ای که مردم حتی زیر حاکمیت عقب مانده ترین نیروها، از استاندادهای زندگی امروز بشریت متمدن نه فقط مطلع است که خواهان دست یابی به آن است، فرمایشات آقای بارزانی فقط نشانه پوسیدگی، عقب ماندگی ایشان و حزب شان است. مسرور بارزانی و جنبش کردیایه تی هنوز در عهد عتیق و قرون وسطی زندگی میکند و مردم کردستان خواهان برخورداری از بالاترین امکانات و پیشرفتهای بشری اند.

در مقابل ناسیونالیسم کرد، که رهبران دولت اقلیم و احزاب متعدد این جنبش در راس آن قرار دارند، جامعه مدرن، متمدن و امروزی کردستان قرار دارد. جنبش اعتراضی و مطالباتی بخشهای مختلف مردم به وسعت کردستان در جریان است و زمین را زیر پای حاکمان فاسد ناسیونالیسم کردی داغ کرده است. سالهاست اعتراضات وسیع در شهرهای مختلف بر علیه فقر، توحش، چپاول، فساد و دزدی حاکمان اقلیم کردستان در جریان است. سالهاست دانشجو و دانش آموز و معلم برای ادامه تحصیل و تامین معیشت خویش راهی جز اعتراض و مبارزه برایشان نمانده است. سالهاست مردم کردستان به مصاف فقر و فلاکت تحمیلی از طرف حاکمان کردی رفته اند و دیگر وضعیت موجود را تحمل نمی کنند. هر ساله هزاران جوان و پیر و کودک از سر استیصال و نداری به دریا و جنگلهای می ززند تا به کشوری امن در اروپا برسند و در این مسیر روزانه انسانهای بیشمار قربانی می شوند. مردم در کردستان به میدان آمده اند و در دنیای مدرن به چیزی کمتر از امکانات و رفاهیات دنیای امروز رضایت نمی دهند. مردم در کردستان همان خواست و مطالبه و امکاناتی را می خواهند که در دنیای مدرن هر انسانی حق داشت آنرا دارد. عقب ماندگی ناسیونالیسم کرد و جنبش آن نه فقط نمی تواند در این خواست و مطالبه عمومی سرسوزنی تغییری ایجاد کند، بلکه نتیجه اش تقابل و صف بندی رادیکل و عمیق جامعه کردستان در مقابل ناسیونالیسم کرد و دولت نماینده اش است. اعتراضات دانشجویان در تقابل با قطع کمک هزینه تحصیل و جواب فوری جامعه و همراهی کردن با این خواست، گوشه ایی از اوضاع ملتتهب و نفرت عمیق مردم بر علیه حاکمان اقلیم را نشان می دهد.

نزدیک به سی سال حاکمیت، ماهیت ناسیونالیسم کرد، که در راس حاکمیت در اقلیم کردستان قرار گرفته است، کاملا روشن کرده است. امروز دیگر کسی در کردستان توهمی نسبت به ماهیت عقب مانده و ارتجاعی احزاب ناسیونالیست ندارد، کسی توقع سر سوزنی آزادیخواهی و تمدن از این احزاب را ندارد. سه دهه حاکمیت این احزاب امری جز بازتولید عقب مانده ترین سنن و فرهنگ ارتجاعی و تحمیل آن به جامعه نبوده است. حاکمیت کردی در این سه دهه به معنی فلاکت و فقر مطلق و فساد و چپاول ثروت و دارائیهای جامعه بوده است. جنبش اعتراضی در جریان اما تمام قد در تقابل و صف بندی با اوضاع تحمیلی قرار گرفته و تمام نودها و سیاستهای حاکمیت و فساد و ناکارآمدی آنرا نشانه رفته است. اعتراضات و تقابل جامعه در پیچه ایی به تغییرات بزرگ و ریشه ایی در جامعه را باز کرده است. ناسیونالیسم کرد در حال تجربه کردن در هم شکستن استخوانهایش زیر چرخ جامعه معترض و مدرن کردستان است. ایجاد رفاه و جامعه ایی آزاد بدون عبور از جنبش و احزاب ناسیونالیستی و له کردن آن از طرف جنبش در جریان در شهرهای مختلف، نمی تواند به پیروزی برسد. تصمیم و اراده عمومی سرنگونی نظام موجود و حاکمیت فاسد بورژوا- ناسیونالیست کردی است.

## درب قتلگاه

# باند زحمتکشان را باید گل گرفت!

با پافشاری و اصرار خانواده آپو حسینی، دادگاه شهرعربت حکم بازداشت دو نفر از مسئولان باند زحمتکشان، که متهم به قتل آپو هستند، را صادر کرده است. علی سیف و حسین فرجی (اردلان) مسئولین نظامی و امنیتی قتلگاه زحمتکشان هستند که حکم دستگیری آنها از طرف دادگاه صادر شده است. بر اساس بررسی ها و شواهد موجود در دست دادگاه قاتلین با نقشه قبلی و طبق برنامه اقدام به کشتن آپو حسینی کرده اند. امری که در همان ابتدا روشن و مسجل بود و ما یکسال پیش در همین رابطه هشدار داده بودیم.

مسئله خود کشی ها، قتلها و سربه نیست کردنها و اقدام به ترورها و ... در درون باند زحمتکشان امری به قدمت باند زحمتکشان است. فقط در دو سال گذشته ۱۶ نفر در درون اردوگاه این باند خودکشی کرده و یا خودکشی داده شده اند. ما جامعه کردستان را در مناسبتهای مختلف در رابطه با خودکشی ها و ترورها از طرف این باند در جریان گذاشته ایم و سیاستها و تحکرات این باند تبهکار را افشا کرده ایم. با روشن شدن کیس آپو حسینی، روشن است که مسئولیت کلیه خودکشیها، خودکشی دادنها، قتلها و ترورها کس یا کسانی جز رهبری و مسئولین رده بالای این باند تبهکار، فرد دیگری نمی تواند باشد. روشن است که ترور، قتل، سر به نیست کردن و... سیاست و نقشه شوم رهبری تبهکار این باند علیه هر فرد یا افراد مخالف مهتدی و قدرت بلامنازع او در این باند است. اصرار خانواده آپو حسینی تجربه مهم و درسی برای همه خانواده هایی است که جگر گوشه ها و فرزندانشان را در این باند از دست داده اند و ضروری است که همه خانواده ها خواهان روشن شدن چگونگی به قتل رسیدن فرزندانشان در درون باند زحمتکشان باشند.

تروریسم، ظرفیت آدمکشی و به قتل رساندن مخالفین سیاسی این باند، ترور فعالین آزادیخواه و کمونیستها و ظرفیت به رگبار بستن هر مخالف این باند دیگر برای همه روشن است. دیگر هیچ شخصیت و سازمانی توهمی نسبت به آزادیخواه بودن، به مبارز بودن این باند مخوف ندارد، برعکس به عنوان یک نیروی پارازیت و آدمکش و به عنوان باندی تبهکار که وظیفه و امری جز ضدیت با آزادیخواهی، آشوب و شکار فعالین و اقدام برای ترور کمونیستها برای خود تعریف نکرده است.

افشاری و روشنگری از اقدامات این باند دیگر کافی نیست. باید اقدامات گسترده تری را از طریق پیوند خانواده های مقتولین در دستور قرار داد. باید آزادیخواهان و شخصیتهای خوشنام و مسئول در کردستان با حساسیت بیشتری به مسئله برخورد کنند و باید احزاب مسئول و آزادیخواه اقدامات موثرتری برای منزوی کردن و جمع کردن کامل بساط این باند تبهکار در دستور خود قرار دهند.

باید متحدانه و با اقدامی مشترک درب قتلگاههای این جریان را به گل گرفت و تخته کرد. نباید اجازه داد یکبار دیگر خون جوان دیگر در درون اردوگاه این سازمان مافیایی به زمین ریخته شود. باید مسئولین رده بالای این باند و در راس همه آنها «عبدالله مهتدی» را در یک دادگاه مردمی به محاکمه کشاند و برای تمام اقدامات تبهکارانه اشان دادگاهی و مجازات شوند!

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)  
۲ دسامبر ۲۰۲۱

قدرت طبقه کارگر

در اتحاد و تشکل اوست!



# بحران آب، باران گلوله

## آسو فتوحی



اخیرا باز شاهد بحران آب در ایران و به دنبال آن اعتراضات وسیع مردم به این شرایط و عملکرد قهریه حاکمیت در سرکوب مردم هستیم.

جامعه ایران با بحران بی آبی و خشکسالی روبرو است که هم در بخش کشاورزی و هم در بخش تامین آب قابل شرب تقریبا تمامی نقاط ایران را در بر گرفته است و هر روزه اعتراضات و مطالبات اقشار مختلف مردم را شاهدیم که با جواب سربالا از طرف حاکمیت روبرو هستند. حاکمیتی که خشکسالی را به دامان خدایان و ماوراء الطبیعه انداخته و راه حل آن را با باران گلوله و شلیک ساچمه به سمت مردم جواب میدهد.

سیستم حاکمیت در ایران با پروپاگاندا وسیع و هدفمند تلاش میکند شهروندان را به این اقتناع برساند که این اوضاع نگران کننده و مهلک نتیجه روند منطقی طبیعت است و جمهوری اسلامی، گناهی در این مورد ندارد و باید فقط دست به دعا به درگاه خدا شد. اگر اینگونه است پس سوال اینست که چرا نظام تا دندان مسلح آقایان با ماشین کشتار و ابزار قهریه به جان مردم معترض به این وضعیت افتاده است؟

مردم ایران خوب واقف هستند که مسئول بی آبی و فلاکت گسترده امروز کسی جز خود جمهوری اسلامی نیست؛ درست همانگونه که برای مردم سایر نقاط دنیا، روشن و قابل درک است که بحران محیط زیست از خشکسالی تا تغییرات اقلیمی، گرمایش زمین، طوفانهای شن و باد و آب و آتش، نتیجه عملکرد دولتهای بورژوازی حاکم بر کل دنیاست. سیستمی که منطق سودآوری ریشه در سفره های آب زیر زمینی، تالاب ها، دریاچه ها و رودخانه ها و کوهها دارد و به تدریج و هر روزه در حال مکیدن شیره جان منابع طبیعی در ایران است و در زمان بروز فجایع در تلاشی مذبوحانه می خواهند رو به جلو فرار کنند و وامود کنند که کار طبیعت است و از کنترل نظام شان خارج است. بدتر آنکه طراحان این نظام با گستاخی تمام در جواب به مطالبات محق مردم با دست آویز قراردادن واقعیات، میفرمایند که مردم باید برای شرایط بسیار وخیم تر آماده باشند و تا ده سال آینده اوضاع سیر صعودی رو به وخامت را طی میکنند و بحران بی آبی و حتی بحران آب شرب تا دهها برابر امروز خواهد رفت و حکومت عاجز از رفع مشکل و مقصر، اوضاع جهانی است. در این شکی نیست که توان فناوری و تکنولوژیک جمهوری اسلامی در این زمینه بسیار عقب و ناکارآمد است اما با این تئوری هم نمی تواند از زیر باز مسئولیت قصر در رفت بلکه بدتر، در عدم وجود فناوری و تکنولوژی لازم برای مقابله با خشکسالی و در حوزه بحران آب، حاکمیت را در مقابل خشم عظیم تری از جانب مردم و شهروندان ایران قرار میدهد. مردم این مهملات را از نظام حاکم بر ایران نمی پذیرند. مردم به درست مسبب و خاطی را نشانه رفته اند و میپرسند چگونه است که همین سیستم توان برنامه ریزی بلند مدت در ایجاد فناوری ساخت انواع موشک های قاره پیما و دور برد و تجهیزات و تکنولوژی عریض و طویل نظامی را دارد، یا برای مثال توان برنامه ریزی و تهیه تجهیزات لازم برای تخریب بیش از پنجاه درصد از اراضی جنگلی و احداث ۱۴۰۰ سد آبی مهلک برای محیط زیست و شیوه سود بردن از آنها را دارد، یا توان برنامه ریزی و تهیه فناوری و تکنولوژی نیروگاه های هسته ای و هزاران زرادخانه دیگر را دارد، اما نوبت به تهیه امکانات و تجهیزات و تکنولوژی لازم برای ادامه حیات و رفاه مردم می رسد، خزانه شان خالی است، تکنولوژی معیوب دارند و دوجین شلنگ تخته می اندازند که فقط میتوانند خودشان را با آنها گول بزنند و رنگ بکنند.

تنها پاسخ این نظام به مطالبات فروکوفته مردم ایران چیزی جز گسیل نیروهای امنیتی خود، آنهم نه از سر قدرت بلکه از سر ترس و هراس از موجودیتش در حمله به صفوف مردم معترض نیست؛ که این بار نیز در جواب به معضل بی آبی به تحصن کشاورزان اصفهان باران گلوله و خون پاشید و در رفت.

اما مردم جان به لب رسیده و آگاه با اتکا به خرد جمعی شان جواب روشنی را در مقابل حاکمیت گذاشته اند و با صدای بلند و روشن فریاد میزنند که جمهوری اسلامی را مسبب هر سیه روزی که به جامعه ایران تحمیل شده است، میدانند. مردم با اتکا به مجامع عمومی و خرد جمعی شان یک پیام روشن را در مقابل سیستم حاکمه گذاشته اند که اگر دنیا دست مردم و شوراهای مردمی باشد هزینه های نجومی که صرف ساخت بمب و موشک و ماشین سرکوب و دستگاه تولید خرافه میشود را قطع میکنند، تولید را در جهت رفع نیاز بشریت و رفاه و

امنیت شهروندان هدایت و مدیریت خواهند کرد. نعمات و امکانات آن جامعه را در راستای ارتقاء سطح فناوری ها و تکنولوژی هائی که آسایش و آینده حیات و رفاه بشریت را تضمین میکند صرف خواهند کرد و هر سیستم و ساختاری را که رقابت خونین سرمایه برای سود بیشتر که دنیا را به تباهی و سیاهی کشانده در هم میشکند و با سیستمی مدرن و پیشرو و سوسیالیستی که متضمن امنیت زندگی و جان انسان است جایگزین میکنند.

فعالین و رهبران مردمی از کارگران تا کشاورزان، معلمان، بازنشستگان و پرستاران و ... از شوش تا اصفهان، سنندج، مریوان، تبریز و تهران و ... با قدرت به میدان آمده اند و اعلام میکنند زندگی و دنیای خود را هزاران برابر بهتر از سیستم پوسیده در حال ریزش جمهوری اسلامی می توانند مدیریت کنند.

خرد جمعی و شوراهای مردمی همان راه کار و آلتزناتیوی است که جمهوری اسلامی و طبقه حاکم در ایران را به نیردی سرنوشت ساز فراخوانده است و اعلام میکنند که حق دادنی نیست بلکه گرفتنی است. امروز دیگر مبارزه مردم از لاک دفاعی خود بیرون آمده و در همبستگی سراسری با هم رنگ و بوی یک آرایش تهاجمی را به خود گرفته است. امروز مردم معترض در عرصه عمل میبینند که بدست گرفتن سرنوشت خود با برپایی شوراهای مردمی تنها آلتزناتیو کارا و نهائی در رسیدن به رفاه، امنیت، آسایش و نجات جان شهروندان از دست بختک سیاه جمهوری اسلامی و طرفداران درون یا بیرون حکومتی آن است؛ حاکمیتی که به میل و رغبت خود قرار نیست که کنار برود. ایجاد هرچه سریعتر و گسترده تر شوراهای مردمی، جدی ترین و طبیعی ترین راه حل و واکنش مردم در شرایط کنونی است. آلتزناتیو همه جانبه از اعمال فشار تا تعرض و در اختیار گرفتن سرنوشت به دست خود مردم است. اگر گلوله و سرکوب جواب از سر استیصال حاکمیت سرمایه و جمهوری اسلامی به بحران یا هر مطالبه دیگر در جامعه است، جواب مردم تشکیل شوراهای مردمی با توسل به خرد جمعی و اتحاد شان تا ریشه کن کردن این سیستم و نظام پوسیده است.

## گزارش یک آکسیون اعتراضی در لندن در اعتراض به بازداشت های اخیر

روز یکشنبه هفتم آذر / ۲۸ نوامبر جمعی اعتراضی مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی در لندن برگزار گردید. اعتراض به تهدیدها و بازداشت های اخیر فعالین کارگری و اجتماعی در سالگرد خیزش آبان ۹۸، روز جهانی منع خشونت علیه زنان و همچنین دفاع از اعتراضات مردم اصفهان و شهرکرد مناسبت این آکسیون اعتراضی بود که با حضور نمایندگان چند سازمان چپ و کمونیست برگزار گردید. شرکت کنندگان با شعارهای انگلیسی و بخشا فارسی با این مضمون ها «زندانی سیاسی آزاد باید گردد»، «احکام و قوانین شکنجه و اعدام / قتل ملغی باید گردد»، «گرامیداشت جانباختگان آبان ۹۸ و سایر اعتراضات در ایران»، «دفاع از اعتراضات اصفهان و شهرگرد»، «پایان دادن به بی حقوقی زنان»، «پایان دادن به تهدید و بازداشت های اخیر مخالفین سیاسی» و در آخر «سرنوشتی جمهوری اسلامی با همه جناح هایش و برقراری حاکمیت شورایی» پیام خود را به دفتر و نمایندگان جمهوری اسلامی در لندن رساندند و تاکید کردند اینها خواست و هدف طبقه کارگر ایران است که برایش اعصاب میکند، خیابان ها را قُرق میکند، سازمان میدهد و بالاخره انقلاب میکند و حاکمیت شورایی را برقرار میکند. شما چهل و سه ساله به وحشیانه ترین شکل ممکن سرکوب میکنید اما هیچ وقت نتوانستید صدای مردم معترض که از ریشه حاکمیت تحمیلی شما را قبول نکردند را خفه کنید و همین صداها بالاخره شما را به زیر میکشد. حاضرین همچنین با شعارهای حمایتی از اعتراضات جنبش کارگری و اجتماعی به فعالین، دست اندرکاران و همه معترضین که با شهادت روبروی نیروهای امنیتی تا دندان مسلح سینه سپر میکنند، اعلام کردند که مثل همیشه به اشکال مختلف با برگزاری تجمعات، سمینارها و مهمت رساندن صدای اعتراض شان به طبقه کارگر سازمان های حقوق بشری و فعالین جنبش های آزادیخواهانه اجتماعی کشورهای مختلف، از آنها حمایت بی دریغ میکنند و صدای آنها در خارج کشور هستند. در تجمع امروز یکی از معترضین شجاع با تخم مرغ به در و دیوار و پنجره های کنسولگری حمله برد و به این شکل نفرت و خشم خود را رو به جلادان جمهوری اسلامی نشان داد. از طرف رفقای حزب ویدئویی از این تجمع برای تلویزیون ایران اینترنشنال ارسال شد که در بخش خبر یکشنبه عصر منتشر شده بود. از طرف رفقای حزب ویدئویی از این تجمع برای تلویزیون ایران اینترنشنال ارسال شد که در بخش خبر یکشنبه عصر پخش شده بود. تشکیلات لندن حزب حکمتیست (خط رسمی) در ادامه تلاشهای پیگیرانه خود بعنوان یک ای اصلی فعالیت ها در لندن، برای رساندن صدای مبارزات طبقه کارگر و جنبش های اجتماعی و همچنین فشار به دفاتر جمهوری اسلامی در لندن برای آزادی فعالین کارگری و سایر زندانیان سیاسی، به فعالیت های خودش در اشکال مختلف تا سرنوشتی جمهوری اسلامی و برقراری حاکمیت شورایی ادامه میدهد. ما ضمن قدردانی از رفقا و نمایندگان سازمان ها که در این شرایط سخت خودشان را به تجمع رساندند، ایرانیان آزادیخواه، برابری طلب، مدافعین طبقه کارگر و سازمان های چپ و حامی کارگر را به همراهی بیشتر برای حمایت از اعتراضات در ایران فرا میخوانیم.

تشکیلات لندن حزب حکمتیست (خط رسمی)

هفتم آذر ۱۴۰۰ برابر با ۲۸ نوامبر ۲۰۲۱

hekmatist.com

## معرفی دبیر دفتر کردستان

به دنبال انصراف رفیق محمد راستی از دبیری دفتر کردستان، به دلیل درگیر بودن در عرصه های دیگر فعالیتهای حزبی، کمیته رهبری حزب رفیق سهند حسینی را بعنوان دبیر دفتر کردستان تعیین کرد.

کمیته رهبری ضمن قدردانی از زحمات رفیق محمد راستی در دفتر کردستان، برای او در فعالیتهای آتی آرزوی موفقیت میکند.

کمیته رهبری برای رفیق سهند حسینی در پست جدید خود آرزوی موفقیت و سربلندی میکند.

کمیته رهبری حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱ دسامبر ۲۰۲۱

## قدردانی از رفیق محمد راستی

در آخرین جلسه ماه جاری دفتر کردستان، رفیق محمد راستی به دلیل درگیر بودن در عرصه های دیگر فعالیتهای حزبی، از دبیری دفتر کردستان انصراف داد. در این رابطه، دفتر کردستان لازم دانست در پیامی از زحمات و تلاش های رفیق محمد راستی در دوره دبیری دفتر کردستان قدردانی کرده و آن را ارج نهد.

برای ما اعضا دفتر کردستان، رفیق محمد راستی شخصیتی است که نماینده تمام قد تحزب و اولویت های حزبی به عنوان یک اصل خدشه ناپذیر میباشد. جایگاه رفیق محمد راستی به عنوان یکی از خوشنام ترین چهرهای سیاسی کردستان در امر سازماندهی و مبارزه حزبی برای تحقق بخشیدن به یک دنیای آزاد و برابر، برای امر سرنگونی یکی از وحشی ترین حکومت های جهان و برافراشتن پرچم حکومت کارگری، بر هیچکس پوشیده نیست.

بی شک حضور رفیق محمد راستی فارغ از هر پست و عنوانی نه تنها در این دوره بلکه در دوره های دیگر پیش رو کار و فعالیت دفتر کردستان، سنگ بنای هرچه محکمتر شدن مبارزات جاری ما در کردستان را به عنوان یک ضرورت میدانند.

دفتر کردستان حزب، داشتن شخصیت خوشنام رفیق محمد راستی در کنار خود را افتخاری بزرگ میدانند. قامت بلند سیاسی رفیق محمد راستی را میتوان در تمام گوشه و کنار حزب مشاهده کرد. دفتر کردستان بی گمان همچنان رفیق محمد راستی را در کنار خود خواهد داشت و به عنوان یکی از اعضای برجسته این دفتر از توانایی ها و تجربیات پربار این رفیق در تمام عرصه های فعالیت خود بهره خواهد جست.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱ دسامبر ۲۰۲۱

صدای آزادی، صدای برابری



تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

mohammed.raasti@gmail.com

حکمتیست هفتک

سر دبیر: فواد عبداللهی

یک دنیای بهتر

برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!